



دریافت صفحه با کد QR



مصباحیان در نشست نقد و بررسی کتاب «مراد و مقصود از دانشگاه چیست»:

کتاب مواجهه فلسفی با دانشگاه ندارد/ چرا باید از نهاد علم دفاع کرد؟

۱ مهر ۱۳۹۹ ساعت ۹:۴۱

حسین مصباحیان گفت: کتاب رویکرد فلسفی ندارد و این ضعف کتاب نیست بلکه یک ژانر ادبی است. نکته اصلی این است که مولف در کتاب مواجهه فلسفی با بحث دانشگاه نمی‌کند. به ویژه در بخش دوم بیشتر صبغه ژورنالیستی دارد تا تئوریک.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) نشست نقد و بررسی کتاب «مراد و مقصود از دانشگاه چیست» از سوی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم روز گذشته دوشنبه سی و یکم شهریور با حضور آریا متین مترجم، حسین مصباحیان استاد دانشگاه تهران، میثم سفید خوش عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به صورت مجازی برگزار شد.

آریا متین با بیان اینکه ترجمه کتاب به حدود چهار سال گذشته برمی‌گردد گفت: مولف در این کتاب درباره نقش دانشگاه و ویژگی‌های آن سخن می‌گوید. همچنین مولف در مقاله‌ای درباره بحث مفید بودن و نامفید بودن بحث می‌کند و بیان می‌کند تشخیص مفید و نامفید بودن یک متن در قرون وسطی با چه کسی است؟ آیا این گفتمان می‌تواند یک گفتمان غالب باشد؟ نویسنده این مبحث را در اکثر مقالات کتاب مورد بازبینی قرار می‌دهد.

وی افزود: در بحث ماهیت علوم انسانی، عدم اجماع بهانه‌ای است که به علوم انسانی بتازند هرچند نویسنده این موضوع را حسن می‌داند.

حسین مصباحیان نیز در این نشست با بیان اینکه هر اثری در حوزه دانشگاه تولید شود، اتفاق خجسته‌ای است. گفت: یکی از مزیت‌های کتاب مواجهه آن با دانشگاه نسل چهارم است که نماد آن هم دانشگاه پی‌نکسی است. یعنی تلاش برای برگرداندن دانشگاه به ماهیت آن یعنی همان مدل برلینی آن که در پی رسیدن به حقیقت است.

مصباحیان در ادامه با اشاره به کاستی‌های کتاب عنوان کرد: کتاب یک تک‌نگاری فلسفی نیست و یک رویکرد فلسفی ندارد و این ضعف کتاب نیست بلکه یک ژانر ادبی است. نکته اصلی این است که مولف در کتاب مواجهه فلسفی با بحث دانشگاه نمی‌کند. به ویژه در بخش دوم بیشتر صبغه ژورنالیستی دارد تا تئوریک.

به گفته این مدرس دانشگاه، در بخش چهارم کتاب که به مولفه‌های علوم انسانی می‌پردازد، خلط مبحث صورت می‌گیرد. واقعیت این است که علوم انسانی با علوم اجتماعی متفاوت است. حتی بعضی‌ها فلسفه را در رده علوم انسانی نمی‌آورند و علوم انسانی در قرون وسطی از هفت علم تشکیل می‌شد که در علوم جدید علوم اجتماعی را جز علوم انسانی نمی‌دانند.

مصباحیان یادآور شد: نویسنده به جای رد رادیکال این موارد به تمایز علوم طبیعی و علوم انسانی می‌پردازد. تمایزی که بین فهم و تبیین است؛ در فلسفه ما فهم می‌کنیم اما در تبیین در علوم طبیعی و غیره است. در علوم انسانی ما تجربه زیسته داریم اما در علوم طبیعی تجربه زیسته نداریم. پرسش اصلی علوم انسانی که در شلایرماخر و بعدا در دیلتای هم مطرح می‌شود این است که علوم انسانی اساساً چگونه می‌تواند علم باشد؟ که این قسمت بحث به کلی در کتاب برگزار نشده است.

وی گفت: در کتاب درباره ایده دانشگاه نیومن اغراق شده است که اگر رویکرد ایشان مقداری فلسفی بود به این صورت نبود. اما مولف از قول ترنر نقل می‌کند که هیچ اثری موثرتر از این کتاب در انگلیسی زبان‌ها نبوده است که خود این نشانگر رویکرد بریتانیای و ادبی نویسنده است. البته نه اینکه مهم باشد اما در برابر آثاری مانند نزاع دانشکده‌های کانت نمی‌توان این کتاب را اینقدر مهم دانست و آثار دیگر را ندید. در قسمت آخر یک موخره و یک پیشگفتار آمده است که عناوین برانگیزاننده‌ای دارند اما نکته‌ای که بر ادیبان این حوزه اضافه کند ندارند.

مصباحیان با اشاره به وضعیت دانشگاه‌های ایران گفت: اکنون دانشگاه‌ها در سطح جهان اضمحلال دارند و به این سمت داریم می‌رویم که دانشگاه دیگر نداریم اما در ایران در فاز اول و دوم دانشگاه هستیم یعنی در فاز اول قرار بوده به خدا و دین خدمت کند در فاز دوم قرار بوده به دولت و ملت خدمت کند. اما ما هنوز وارد اندیشیدن درباره دانشگاه نشدیم.

دیگر سخنران این نشست میثم سفیدخوش عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه وقتی با عنوان کتاب مواجهه شدم فکر کردم که با ماهیت دانشگاه مواجهه هستیم گفت: اصولاً این کتاب فلسفی نیست. عنوان کتاب در فارسی یک کج تابی دارد که می‌تواند خیلی رهنز باشد. عنوان اصلی کتاب دانشگاه به چه کار می‌آید؟ است که با بحث‌های نویسنده ارتباط دارد اما وقتی آن را به مراد و مقصود ترجمه کنیم مقداری از اصل کتاب دور می‌شویم.

وی افزود: اشکال بزرگتر در ساختار کتاب این است که می‌خواهد با نگرش بسیار رایج امروزی که دانشگاه باید به کارآفرینی بپردازد، ایده دانشگاه را بررسی کند که به نظرم باید روی عنوان کتاب دقت بیشتری می‌شد. پیشنهادم این است که کتابی که می‌خواهد منتشر شود قبل از انتشار اینچنین جلساتی برگزار شود که خطاهای اینگونه رخ ندهد. کتاب نه نظری بلکه مدافعه جویانه است، یعنی نویسنده از وضعیتی شاکی است و می‌خواهد از دانشگاه‌ها دفاع کند. اما چرا باید نهادی که متکفل دانش و راهبری جامعه است نیازمند دفاع باشد؟ و دفاع از یک چیزی آن را در چه موقعیتی قرار می‌دهد؟ چه چیزهایی دانشگاه را به خطر می‌اندازد که دفاع کردن را ضروری می‌کند؟

به گفته سفید خوش، آیا این تصویر از دانشگاه به مثابه موقعیتی نیازمند دفاع تصویر کسانی نیست که خودشان را در برابر ابعاد دیگر زندگی اجتماعی مانند دین و دولت و ... قرار داده اند؟ آیا دانشگاه خودش را در موقعیت یک نهاد هم ارز یا برتر این نهادها قرار نداده که بعد از آن کسی از آن دفاع کند؟ وارد شدن به همین سیاست چیزی است که نهادهای دیگر می‌خواهند. همواره از طرف نهادهای دیگر مانند سیاست و بازار مورد اعتراض قرار می‌گیرد.

وی یادآور شد: رفتن در این بازی ورودی است که خود دانشگاه و دانشجویان و استادان دانشگاه زمینه‌اش را ایجاد کرده‌اند و هرچند نهادهای دین و سیاست هم این زمینه را تشدید می‌کنند. این چیزی است که دائماً دانشگاه را به دفاع وادار می‌کند.

سفید خوش ادامه داد: نویسنده فکر می‌کند با ارجاع به هنری نیومن می‌تواند دفاعی از دانشگاه کرده باشد. می‌توانم بگویم نویسنده هرچند ارجاع به کتاب نیومن می‌دهد اما کتاب نیومن را خوب نخوانده است چون مطالب کتاب نیومن بسیار جدی تر از مباحثی است که نویسنده مطرح می‌کند.

وی تاکید کرد: نگاه نیومن به دانشگاه یک نگاه رمانتیک است و تلاش می‌کند که بگوید دانشگاه تنها جایی برای بیان حقیقت نیست بلکه در کنار دانش افزایشی جایی برای ادراک احساسات رمانتیک هم هست و آیا ایده رمانتیک نیومن در برابر ایده دانشگاه سرمایه‌دارانه و کارآفرین کنونی می‌تواند قدم علم کند؟

پاسخ به انتقادات

متین در ادامه این نشست با بیان اینکه نویسنده ادیب است و نثر بسیار ادیبانه ای دارد گفت: اما اینکه دوستان فلسفه خوانده انتظار دارند که این متن فلسفی باشد به نظرم بخشی از این نگاه به آن برمی‌گردد که خودشان را در یک سطحی بالاتر از دیگر رشته‌های می‌بینند. اما یکی از اهداف من از ترجمه این کتاب این بود که وضعیت دانشگاه و الزاماتی که از آن می‌خواهند چیست و بازار سیاست دین بحث تدافعی آن بود.

وی در ادامه با بیان اینکه اگر عنوان اصلی کتاب یعنی «دانشگاه به چه کار می‌آید» می‌آمد گویاتر از عنوان مراد مقصود بود گفت: علت این بود که ترجمه اصلی دانشگاه‌ها یک نوع رویکرد انتقادی دارد و مراد و مقصود یک رویکرد

ایجابی و خنثی دارد و این انتظار را ایجاد می‌کند که دانشگاه یک ذات واحد دارد. نمی‌خواهد بگوید که دانشگاه یک ذات واحد دارد. بنابراین عنوان کتاب خیلی بهتر بود که همان ترجمه دانشگاه به چه کار می‌آید باشد.

متین در پایان گفت: پاراگرافی که انتشارات پنگوئن درباره نویسنده دارد حذف شده است که اگر حذف نمی‌شد می‌فهمیدیم که نویسنده رویکردی تاریخی - ادبی دارد.

کد مطلب: ۲۹۶۱۰۰

آدرس مطلب :

<http://www.ibna.ir/fa/report/296100/> کتاب-مواجهه-فلسفی-دانشگاه-ندارد-چرا-باید-نهاد-علم-دفاع
دفاع

<http://www.ibna.ir> ایبنا